

دکتر ابراهیم فیوضات

نقدی به کتاب «سیطره جهانی»

کتاب «سیطره جهانی» نوشته ریچارد بارنت و «زنالد مولر»، ترجمه مصطفی قریب، انتشارات هاشمی، حاوی سه بخش و ۱۳ فصل است. به نظر می‌رسد این کتاب از دو منبع اساسی تغذیه شده است: یکم منابع آماری و اطلاعاتی شرکت‌های چند ملیتی در دهه ۶۰ و اوائل دهه ۷۰، دوم مصاحبه با مدیران و گردانندگان این شرکت‌ها.

دیدگاه مدیران

نویسندگان کتاب، فلسفه و دیدگاه مدیران شرکت‌های جهانی را در زمینه الگوی رشد تشریح می‌کنند. به نظر مدیران، رشد اقتصادی جهان امروز به رشد و گسترده‌گی قاره آمریکا در قرن گذشته شباهت دارد و به همان راهی می‌رود که آمریکا ظرف صد سال گذشته رفته است و سرانجامی به جز «ایجاد یک بازار واحد» ندارد. به نظر «ژاک مزون روز» فرانسوی که به عنوان سخنگو و مشخص کننده طرز فکر مدیران شرکت‌های جهانی به شمار می‌رود: مدیران شرکت‌ها به علل مسافرت و ماندن در کشورهای بیگانه خلق و خوی ملی را به تدریج از دست می‌دهند و تفکر جهانی را جانشین آن می‌کنند (ص ۹۶ و ۹۷).

اساس این نگرش که جهان را به شکل «یک واحد اقتصادی» می‌نگرد از نگاه سخنگوی مذکور «نیازمند برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت دقیق است» و در راستای این بینش، وی از شعار «سرنگون باد مرزها» که به توسط دانشجویان شورشی سان ۱۹۶۸ پاریس داده شد، استقبال می‌کند (ص ۲۳).

مدیران شرکت‌های چند ملیتی، مرزبندی ملی کشورها را نظیر خط استوا به شمار می‌آورند و معتقدند که این خطوط علامت گذاری‌های مصلحتی بیش نیستند و تنها به اعتبار قومیت، زبان و هویت فرهنگی شکل گرفته‌اند. بدینسان چنین وانمود می‌شود که در برنامه‌ریزی جهانی، مدیران شرکت‌ها از سیاستمداران که در حوزه جغرافیایی محدود

کشورها محبوبند به مراتب جلوترند (ص ۲۵).

گسترده‌گی تولید و بازار

نویسندگان کتاب «سپرده جهانی» به بحث پیرامون حجم، بزرگی و تولید وسیع شرکت‌ها در مقایسه با تولید ناخالص ملی برخی کشورها می‌پردازند. مثلاً فروش سالانه جنرال موتور در سال ۱۹۷۳ از تولید ناخالص کشورهای: سوئیس، پاکستان و افریقای جنوبی در همان سال بیشتر نشان می‌دهد. بدینسان نرخ رشد شرکت‌های جهانی؛ دو تا سه برابر نرخ رشد کشوری صنعتی نظیر امریکا را به نمایش می‌گذارد (ص ۱۵). بنا به ارقامی که نویسندگان ارائه داده‌اند، شرکت‌های ام‌درسال ۱۹۷۰ حدود ۴۰ درصد بازار کامپیوتر جهان را در اختیار داشت. بیش از ۵۰ درصد بازار اتومبیل زیر نظر سه کمپانی جهانی که مراکزشان در امریکا است اداره می‌شود. کمپانی‌های نفتی بزرگ جهان یا هفت خواهران، دوسوم کل عرضه نفت و گاز جهان را در سال مذکور در دست داشتند. به علاوه تا اواخر دهه ۶۰ هفت شرکت جهانی با مدیریت بهم پیوسته، نظارت بر ۸۳ درصد تولید مس جهان نظارت داشتند (ص ۳۳۳ و ۲۹).

نویسندگان کتاب در زمینه بین‌المللی شدن سرمایه به بانک‌ها می‌پردازند. با استناد به ارقام آنان، «فرست نشنال سیتی»، «بانک امریکا»، «چیس مانهاتان» و «بانک نیویورک» در بولیوی ۵۰ درصد بخش خصوصی را در اختیار دارند. بنا به گفته آنان «بانک بوستون» اطلاعاتش در مورد اقتصاد آرژانتین از دولت آن کشور دقیق‌تر است. بنا به نوشته آنان پنج بانک بزرگ، اعتبارات کوتاه‌مدت به شیلی را در زمان حکومت آلنده محدود کرده‌اند تا دولت ملی او نتواند به تقاضای اقتصادی مردم پاسخ گوید و باعث سقوط دولت او شدند (ص ۲۳۴ و ۲۳۳). بزرگترین بانک امریکائی (فرست نشنال سیتی) مثل شرکت‌های بزرگ آن کشور (زیلت، وول‌ورث، فایزر، موبیل، آی‌بی‌ام و کوکاکولا) بیش از ۵۰ درصد سود خود را در خارج کسب می‌کنند (ص ۲۳۶).

سیر صعودی سود

مؤلفان کتاب در زمینه انگیزه شرکت‌ها در افزایش نرخ سود به ویژه در کشورهای در حال توسعه به بحث می‌پردازند. بنا به نوشته آنان نرخ سودآوری شرکت‌ها در سال ۱۹۷۲ (۱۲۲) شرکت چندملیتی که مراکزشان در امریکا است) ۲۵/۶ درصد در مقایسه با ۹/۲

درصد رقم مربوط به فعالیت داخلی را خاطر نشان می‌کنند. نرخ متوسط سودآوری در مورد صنایع داروئی برای فعالیتهای خارج از کشور ۲۲/۴ درصد در مقایسه با ۱۵/۵ درصد نرخ داخلی امریکا بوده است. براساس همین آمارها حدود یک سوم کل دارائی صنایع شیمیائی، ۴۰ درصد کل دارائی صنایع تولیدکننده کالای مصرفی، حدود ۷۵ درصد کل دارائی های صنایع الکتریکی و معادل کل دارائی های صنایع داروئی در سال ۱۹۷۰ در خارج از امریکا تمرکز یافته‌اند. (ص ۲۰ و ۱۹ و ۱۸)

حدود ۶۴ درصد کل سرد خالص در ۵ رشته عمده اقتصاد (لاستیک، وسایل موتوری، ماشین سازی، معدن و وسایل منزل، منعلق به شرکت های جهانی است. این رقم تا سال ۱۹۷۱ به ۷۰ درصد افزایش یافته است (ص ۲۵۳ و ۲۴۲ و ۳۶ و ۳۱).

در فاصله سال های ۶۰ - ۱۹۴۸ سود خالص که کمپانی های نفتی در خاورمیانه بدست آوردند به بیش از ۱۴ میلیارد دلار بالغ شد. «بحران انرژی» در امریکا قیمت نفت خام را ۷۲ درصد بالا برد و در پاره ای موارد قیمت گاز طبیعی را از سال ۱۹۷۰ به بعد ۲۰۰ درصد افزایش داد. چنین به نظر می رسد که سودهای کلان بیشتر در خارج از مراکز صنعتی تأمین می شود. مثلاً ۵۰ درصد سود حاصل بتک فرست نشنال سیتی (بزرگترین بانک امریکا) خارج از آن کشور کسب شده است (ص ۷ و ۲۵۶ و ۳۶).

نویسندگان با نشان دادن ارقام بالای نرخ سود که در دهه ۶۰ در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است * آنرا به عنوان نتایج منطقی توسعه و رشد فعالیت شرکت های چند ملیتی دانسته و ارزیابی کرده اند و نه بکارگیری سکانیسم های پیچیده انحصاری، حیلہ گیری و بهره کشی از توان جامعه کشورهای در حال توسعه!

رقابت و جابجائی قدرت

رقابت و نقل و انتقال قدرت از ویژگی های نظام مبتنی بر صنعت است. مؤلفان کتاب از فراز و نشیب قدرت تولیدی شرکت ها در جهان ارنام و آماری بدست می دهند، بدون این که از قوانین رقابت که حاکم بر شرکت ها است ذکری به میان آورند. بنابه نوشته آنان در سال ۱۹۵۳ سهم امریکا در کل تولید جهان حدود ۷۰ درصد بود. این سهم در ۱۵ سال بعد به حدود ۳۸٪ کاهش یافت. آنان می نویسند که در سال ۱۹۴۸ صد درصد کلیه

* به طور مسلم این ارقام در دهه های اخیر از رشد بالاتری برخوردار بوده است.

گیرنده‌های تلویزیونی جهان در امریکا تولید می‌شد. این رقم در ۲۴ سال بعد به ۲۵٪ تنزل پیدا کرد (ص ۲۱۲ و ۳۷).^{۶۰} تا اواخر دهه ۶۰ دوسوم صنایع تولیدکننده فیلم، کاغذ عکاسی، و مسائل مخابراتی و ماشین‌های کشاورزی فرانسه در اختیار شرکت‌های امریکائی بوده‌اند. این پس شرکت‌های اروپائی تولیدکنندگان امریکائی را به عقب می‌رانند. در شیلی پس از آنکه دولت آلنده اقدام به ملی کردن تأسیسات کمپانی فورد کرد، دو شرکت نبات و بریتیش میلاند برای دستیابی به امتیازات در تصدی عملیات کمپانی فورد، بدون توجه به فضای سیاسی حاکم بر شیلی، بر رقابت با یکدیگر برخاستند (ص ۳۲۹ و ۵۷). این نقل و انتقال که در عرصه تولید جهانی میان شرکت‌ها شکل می‌گیرد، اثرات آن در زندگی روزمره و در موقعیت توزیع کنندگان خرد در سراسر جهان برجای می‌گذارد. فروشگاه‌های زنجیره‌ای کسبه خرد و بقالی‌های سنتی را از میدان بدر می‌کنند، و به صنایع و فروشگاه‌های جدید امکان رشد می‌دهند، بنابه نوشته مگدون اقتصاددان امریکائی سهم شرکت‌های نفتی انگلیسی در سال ۱۹۴۰ در خاورمیانه رقمی معادل ۷۲ درصد منابع انرژی و سهم امریکا در آن زمان ۲۸ درصد را نشان می‌دهد. این ارقام در ۲۷ سال بعد، سهم نفتی انگلستان در خاورمیانه در حدود سه برابر کاهش نشان می‌دهد، در حالی که سهم امریکا در این منطقه به حدود دو برابر افزایش یافته است.^{۶۱} بدین ترتیب سهم شرکت‌ها در تولید جهانی به شکل مستمر جابجا می‌شوند. اگر در قرن ۱۹ انگلیس و فرانسه قدرت بزرگ جهان به شمار می‌آمدند، در قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم امریکا جای آنان را در عرصه تولیدی، اقتصادی و نظامی جهان می‌گیرد. این روند رقابت در سرمایه‌گذاری قدرت‌های بزرگ در ایران نیز مشاهده می‌شود. در سال‌های ۷۱ - ۱۹۶۵ نرخ افزایش سرمایه‌گذاری‌های ژاپنی و آلمانی در ایران به سه برابر نرخ افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی امریکا رسید. همین تغییرات در سرمایه‌گذاری‌های ژاپنی پیشی گرفتن آن‌ها از امریکا در کشور ما به نحوی آشکار مشاهده می‌شود.

بدین ترتیب ژاپنی‌ها با نشان دادن شکبانی در زمینه کسب سود کمتر ولی روابط پایدار تر، سرمایه‌های امریکائی را وادار به عقب‌نشینی در بسیاری از کشورهای جهان

^{۶۰} تا اواسط دهه ۶۰ - ۱۹۵۰ مرحله اول زندگینامه تلویزیون به پایان می‌رسد و تا اواسط دهه ۷۰ - ۶۰ صنعت تلویزیون جامی افتد (ص ۲۱۳ - ۲۱۲).

از جمله ایران کرده‌اند (ص ۳۳) هم‌اکنون اروپا و ژاپن به عنوان بلوک قدرت* در مقابل امریکا خودنمایی می‌کنند. این جایگاهی قدرت‌نشان می‌دهد که «وحدت جهانی مدیران» تصویری بیش نیست و رقابت و نبرد پنهانی بر سر تقسیم بازار و قدرت اقتصادی استمرار می‌یابد: همانگونه که هایز فیلسوف انگلیسی در انسان حس صیانت نفس را می‌یابد و بلور دارد که گرگ بودن و درنده خوئی انسان و یا کونا آمدن او و پذیرش قرارداد اجتماعی از همین حس ناشی می‌شود.^۲

روش گردآوری و متدولوژی مؤلفان

مؤلفان کتاب سیطره جهانی در کار کتابنویسی به یک بینش علمی و تحقیقی کمتر توجه کرده‌اند. چهارچوب تئوریک، طرح مسأله و فرضیه‌سازی که سرآغاز یک کار علمی است و در کار تحقیقی می‌بایست رعایت شود، تا بر اساس آن تحقق در پی کشف واقعیات و وصول در یک تئوری علمی باشد در کار مؤلفان بچشم نمی‌خورد. مقدمه و نتیجه‌گیری که لازمه چنین تحقیقی است در کارشان مشاهده نمی‌شود. نویسندگان امر پژوهش درباره چندملینی‌ها در دهه ۶۰ را در حد یک کار ژورنالیستی عرضه کرده‌اند. بحث در زمینه حجم، گستردگی و سردهای کلان شرکت‌ها بدون برقراری ارتباط میان مکاتیبم‌های سرده‌ای و تحولات کمی و کیفی شرکت‌ها و مقایسه آن‌ها در ادوار متفاوت کمتر می‌تواند جنبه علمی خود را حفظ کند.

تلاش در موجه جلوه دادن اهداف این شرکت‌ها به عنوان اهرم‌های توسعه کاری است که مؤلفان با دلسوزی به انجام دادن آن پرداخته‌اند. نگرانی آنان در اینست که نکند در اثر ورود و خروج نیروی کار ارزان، امریکای «متمدن» به کبر نشینی و حاشیه‌نشینی امریکای لاتین (بخش دوم کتاب) مبدل شود. علوم انسانی و مطالعات فرسنگی نکات قابل توجهی که در کار مؤلفان مشاهده می‌شود، تلاشی است که آنان در گردآوری آمار و ارقام از خود نشان داده‌اند. مشکل این ارقام نیز در اینست که آن‌ها فاقد یک پیوند ارگانیک و روابط علت و معلولی در ارتباط با پیدایش و تحول چندملینی‌هاست. جمع‌آوری اطلاعات خام برای دست‌اندرکاران مسائل تحقیقی مفید است، زیرا که با در

* در اینجا بحث از چندملینی‌ها و منشأ آن‌ها در کشورهای صنعتی است. سخن از بلوک شرق به عنوان یک قدرت در تحقیق چند ملیتی‌ها نمی‌گنجد و در عین حال خود نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد.

دست داشتن آمارها می توان به تحلیل چندملیتی ها در یک دهه پرداخت، و این دهه را با دهه های پیشین مقایسه کرد. نشان داد که ویژگی این دهه توسعه، چه مسائل تازه ای در عرصه تولید، توزیع و مصرف جهانی به وسیله شرکت های جهانی را مطرح می سازد.

مفاهیم و معانی

مؤلفان در زمینه پدیده و تبیین مفهوم چندملیتی در کتاب خود معانی روشنی را ارائه نمی دهند و از همان مفاهیم تبلیغ شده شرکت ها مدد می گیرند، ارائه نام چندملیتی بدون ذکر ای از گذشته شرکت ها سبب گمراهی می شود. نویسندگان توجه داشته اند که چندملیتی ها به طور تصادفی بوجود نیامده اند و از ریشه و سنت دیرینه ای برخوردارند. اوایل قرن حاضر «هابسن» محقق انگلیسی با نوشتن کتاب معروف امپریالیسم به شناسایی رشد و گسترش شرکت های بزرگ انگلیسی در اوایل قرن بیستم همت گمارد. هابسن از تجمع و تمرکز تولید سخن گفت همان گونه که نویسندگان کتاب ذکر ای از تمرکز سرمایه کرده اند (ص ۴۹).

«هابسن» از حجم گسترده گی تولید که منجر به ایجاد امپریالیسم می شود به تجزیه و تحلیل پرداخت. شرکت های بزرگ از درون یک رشته برخورد های خصمانه، ستیز ها، نابودی یکی و به رونق رسیدن دیگری، ادغام ها و رقابت های شدید و روند بین المللی شدن سرمایه بوجود آمده اند. وجود بحران های مستمر ادولری (سیکلی) در روند ادغام و جابجائی شرکت ها نقش اساسی داشته است. در مرحله بحران کارتل ها، تراست ها و انحصارات از امکانات وسیعی که در اختیار دارند سرمایه های کوچک حتی با تکنولوژی پیشرفته را در درون خود حل می کنند. یعنی کشاورزی، صنعت خرد، خدمات کوچک بانکی و شرکت های کم سرمایه از عرصه فعالیت دور می شوند و جای آنها را شرکت های جهانی می گیرند. در روند ادغام ها و جابجائی های شرکت ها، بخش های گوناگون سرمایه از بازرگانی گرفته تا بانکی، صنعتی و مالی سخت در تکیا پو بوده اند. تلاش شرکت ها بر این بوده است که از برخورد های خصمانه دست برداشته و سود جمعی خود را در درازمدت تأمین کنند.

* رقابت و برخورد میان دو کمپانی نفتی رویال د.ج. شل و کمپانی نفتی امریکائی نمونه ای از درگیری خصمانه میان دو کارتل نفتی است (مقاله همین نویسنده مجله حسابدار شماره های ۹ و ۱۳۶۲، ۸).

باتوجه به مروری کوتاه به‌واژه و فرهنگ امیر یالیسم، ضروری است نشان دهیم شرکت‌های چندملیتی چگونه با این واژه در ارتباط‌اند و یا در کجای این واژه و فرهنگ جای می‌گیرند. بدین ترتیب با استفاده از تقسیم‌بندی صاحب‌نظران در رابطه با این پدیده، به‌در بخش کهن و نو توجه خواننده را جلب می‌نمائیم. پیدایش امیر یالیسم کهن از تکامل انقلاب صنعتی در انگلستان شکل می‌گیرد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل این قرن کشور مذکور به کمک ماشین صنعتی و هزاران شبکه بانکی* در جهان و ارزش‌های مستعمراتی توانست به کشف معادن، منابع مواد خام در سراسر جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به‌پردازد و به استعمار شکل و شمایی بدهد و مرحله رقابت صنعتی را با ادغام صنایع دستی، خانگی و پیشه‌وری و مانوفاکتوری به دوره انحصارات برساند. این مرحله با رقابت و جنگ‌های خصمانه میان کارتل‌ها و کشورهای صنعتی (به‌ویژه در جنگ جهانی) آشکارتر می‌شود.**

جنگ‌مذکور باعث شد که کشورهای صنعتی، در سیاست خود نسبت به گذشته تغییر اساسی بدهند و در زمینه روابط خویش با کشورهای توسعه‌نیافته به دگرگونی‌های اساسی به‌پردازند. در این‌حاست که مفهوم جدید استعمار و چندملیتی‌ها به‌ویژه در دهه ۱۹۶۰ معنی پیدا می‌کند. در پی این روند توسعه اقتصادی، ایجاد قطب‌های صنعتی، دگرگونی در زمینه ارضی، رواج کشت و صنعت‌ها، انقلاب سبز و به‌ویژه صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه نمایان می‌شود. چنین خط‌مشی‌ای بر گسترش روزافزون تولید سازماندهی صنعت در کشورهای پیشرفته مبتنی است آشکار است که این خط‌مشی به‌وسیله دو عامل عمده: شرکت‌های چندملیتی و دولت‌ها به‌پیش برده می‌شود. این سیاست از یک سو جانشینی واردات Import Substitution در برخی کشورهای غنی (تفتی) نظیر ایران و ترکیه (به‌علل سوق‌الجیشی) و از سوی دیگر سیاست جانشینی صادرات (export substitution) در کشورهایی که نیروی کار ارزان نظیر تایوان، فیلیپین، کره... به‌کار گرفته شده‌اند.^۳ با توجه به چنین بینشی چندملیتی ما مورد بررسی و ارزشیابی قرار می‌گیرند و مرکز اساسی آن‌ها را چه در زمینه صنعت نفت (۷ خواران ص ۱۵۳)، چه در زمینه صنایع دارویی (ص ۴۹ و ۲۴ و ۱۶)، و چه در زمینه صنایع اتومبیل (ص ۱۵)،

* تعداد شعب بانک در انگلستان سال ۱۹۱۰ به ۷۱۵۱ بالغ می‌شد.

** با طلوع انقلاب صنعتی کشورهای اروپایی به سرعت تمام به تجهیز فرای نظامی می‌پردازند و به مدد صنعت جدید برخی از این کشورها از جمله آلمان، فرانسه و اطریش... به ترتیب هرکدام حدود ۵ میلیون متجاوز از ۲ میلیون و ۲ میلیون نیروی نظامی را مجهز به سلاح می‌کنند.

امریکا به شمار می آید. تصادفی نیست که مدیران این شرکت‌ها، جهان را در قالب رشد قاره امریکا در یکصد سال گذشته می‌بینند و رشد و گسترش آن‌ها را با گذشته کشور مذکور مجسم می‌کنند. برجستگی و ویژگی‌های فرهنگی و تمدن گذشته سایر کشورها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و توسعه به سبک امریکائی ملاک واقعی جهان قرار داده می‌شود. طراحی، برنامه‌ریزی، سازماندهی و گستردگی تولید (تولید اتبوه) از اهم استراتژی آن‌هاست.

به این ترتیب آشکار است که مدیران شرکت‌ها از فلسفه هم‌سخن می‌گویند و وحدت جهانی، را در نظر دارند. وحدت آن‌ها بازگوکننده وحدت بازار و با وحدت سرمایه‌های متفاوت محصور در مرزهای دیگر است. فیلسوفان آن‌ها فلاسفه اهل عمل هستند (ص ۹۷ و ۹۶ و ۲۴). چنین فیلسوفانی موظفند شرکت‌ها را از بحران‌ها و بن‌بست‌ها نجات داده و زمینه آماده کردن جهان به شکل یک واحد سوددهی را تثویز کنند.

زمینه‌های تاریخی

از محتوای کتاب سیطره جهانی چنین استنباط می‌شود که مؤلفان در زمینه شرکت‌های جهانی به مسایل گوناگونی پرداخته‌اند. آنان در زمینه تاریخی به محققانی نظیر آدام اسمیت و کینز پرداخته‌اند (ص ۶۱۱ و ۱۲۱ و ۸۶). اما به فضائی که این محققان را پرورش داده کمتر توجه کرده‌اند. چنین روشی با وجود ارائه داده‌های بسیار، فضای جهانی پس از جنگ جهانی دوم که مرحله رشد و تطور چندملیتی‌هاست را منعکس نمی‌کند.

مؤلفان از مناسبات دولت با شرکت‌های چندملیتی و اختلاف نظر آن‌ها که بعداً با توضیح بیشتری بدان می‌پردازیم، اطلاعات فراوانی ارائه می‌دهند (۳۵۶ و ۱۵۱ و ۹۲ و ۸۸ و ۲۹ و ۲۱ و ۱۴). این پرخوردها که برخی از آن‌ها جنبه تاریخی دارد، از زمانی معین وارد فرهنگ سیاسی شده است و بار سیاسی با خود دارد که مشخص‌کننده مرحله‌ای معین از

تطور نظام صنعتی است. نویسندگان از طرح نو و تئوری کینز یاد می‌کنند، بدون آن‌که فضای حاکم بر بحران آن دوره و یا طرح مذکور را تجزیه، تحلیل نماید.

با این‌که دهه ۳۰ میلادی نقطه پایانی دوران اقتصاد کلاسیک، یعنی تعیین‌کنندگی عرضه و تقاضا در بازار و یا هرج و مرج آن است. کلاسیک‌ها لزوم دخالت عوامل خارجی در اقتصاد را منطقی نمی‌دانستند. این نظر به با بحران‌های ادواری کشورهای صنعتی به ویژه بحران حاد ۳۳ - ۱۹۲۹ به سختی ضربه خورد. شرایط سخت این دوران و به بن‌بست رسیدن تئوری‌های گذشته جانی را برای بینش جدید باز کرد. فشار بحران مذکور برخی از کشورهای صنعتی نظیر: آلمان، ایتالیا و ژاپنی که مراحل ویژه‌ای را در دوره انتقالی نظام گذشته به جامعه صنعتی طی کرده بودند، به سمت برقراری نظام فاشیستی کشاند.^۱ در این نظام فعالیت‌سند یک‌ها و آزادی‌های فردی و اعتصابات جمعی و سیستم چانه‌زنی BARGAINING SYSTEM که می‌رفت در جوامع اروپائی معمول شود منسوخ کرد. شرایط جدید در کوتاه‌مدت از یکسو به کشورهای مذکور امکان توسعه گسترده‌ای به ویژه در صنایع نظامی داد و از سوی دیگر در پی تهاجم کشورهای مذکور به سایر کشورها شکنندگی این رژیم را محرز کرد. به این ترتیب سیاستمداران و طراحان با بصیرت غرب که به عمق بحران و شکنندگی نظام‌های توتالیتر آشنائی بیشتری داشتند، به ارائه طرح نو و تئوریزه کردن دخالت دولت در امور اقتصادی پرداختند. هم‌زمان با این روند کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول «کینز» نظریه پرداز انگلیسی انتشار یافت (۱۹۳۴). به کارگیری چنین نظراتی در اقتصاد کشورهای صنعتی بحران‌های ۳۳ - ۱۹۲۹ را به مرحله رونق سال‌های بعد داد. توجه به نرخ تورم و بیکاری به وسیله دولت رایج شد. استفاده از مکانیزم دخالت دولت در امور اقتصادی - اجتماعی عملاً در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شکل جدی تری به خود گرفت و نه تنها در کشورهای صنعتی بلکه در برنامهریزی کشورهای در حال توسعه خواهان بیشتری پیدا کرد.

برخورد شرکت‌های چندملیتی و دولت‌ها

دخالت دولت در امور اقتصادی بشدریج با قوتین ضدتر است (ANTI TRUST)

• NEW - DEAL طرح نو یا سیاست نو، طرحی است که روزولت برای مقابله با بحران جهانی سال‌های ۳۳ - ۱۹۲۹ مطرح می‌کند. مترجم آنرا آئین نو ترجمه کرده که جنبه مذهبی را به ذهن می‌آورد تا سیاسی، ما در این نوشته طرح نو بکار می‌بریم.

(LAW S) در امریکا آغاز شده و با به کارگیری طرح نو «روزولت» و به ریزه تئوری کپنر بریتانیا و سایر کشورهای صنعتی شکل گرفت.^{۱۰} چنین روندی به دولت امکان داد که به شکل مدام بر نرخ بیکاری و نرخ تورم در کشورهای صنعتی نظارت کند. به علاوه چنین نظارتی سبب شد که دستگاه دولت در شرایط رکود و رونق اقتصادی نقشی اساسی در آن کشورها ایفا نماید. یعنی حیطه نظارت دولت در کشورهای صنعتی گسترده شده ضمن دربرگیری گروهها و اقشار متفاوت اجتماعی، نظارت مستمر بر تحولات تکنولوژیک و صدور آن از طریق کالا و وام به کشورهای دیگر را فراهم آورد. صدور تکنولوژی از طریق سرشکن کردن نرخ بیکاری و تورم به کشورهای در حال توسعه از بروز بحران حادی نظیر آنچه در اواخر دهه ۲۰ میلادی در کشورهای صنعتی اتفاق افتاد جلوگیری می کند. اما بحران زمینی^{۱۱} را در کشورهای در حال توسعه ایجاد می کند که هر از چند مدت به بروز کودتاها، اغتشاش ها ... و از هم گسیختگی شرایط مادی و معنوی این کشورها می انجامد. گسست در زمینه های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد می شود. ارزش ها زیر و رو می شوند و در نتیجه این دگرگونی ها و گسست ها، گروه های اجتماعی تغییر موقعیت و پایگاه می دهند و به این ترتیب گروهی امیدوار و برخی نگران در عرصه زندگی به تکاپو ادامه می دهند. چون بحران مزمن در این کشورها بر جای مانده و حل نشده است، به کارگیری تکنولوژی جدید از هم گسیختگی ویسی نظمی بعدی را در پی می آورد.

نظارت شدید دولت در کشورهای صنعتی بر امور اقتصادی با مکانیسم پیچیده بین المللی شده تکنولوژی، سرمایه، تولید و نیروی کار (ص ۱۴۶ و ۶۲ و ۵۱ و ۴۵ و ۳۸ و ۱۴) باعث برخورد هائی میان دولت و شرکتهای جهانی می شود. بطور مثال وقتی

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

• قانون ضد تراست «شرمن» در سال ۱۸۹۰ به نصریب کنگره امریکا رسی. بر طبق این قانون شرکت استاندارد اوپل به سه شرکت بزرگ نفتی انحصار کارتل بین المللی «استاندارد اوپل اف نیوجرسی»، «استاندارد اوپل اف کانپونی»، و «تکراکر اوپل کمپانی» و ۲۸ شرکت کوچک دیگر تقسیم شدند. مجله حسابدار شماره ۸ و ۹ قانون کلیتون CLAYTON نیز در سال ۱۹۱۴ به منظور جلوگیری از بسط انحصارات به وسیله منع اختلاط مؤسسانی وضع شده بود، که به نسبت زیادی محصول کل یا کالا را تولید می کردند. (فرهنگ علوم اقتصادی انگلیسی به فارسی. منوچهر فرهنگ ص ۱۳۵).

• در کشورهای توسعه نیافته به علت نفوذ سرمایه های بیگانه و وجود ساخت های گوناگون اقتصادی - اجتماعی بحران مزمن ادامه دارد. استمرار چنین بحرانی در این کشورها کمتر به نظم اجتماعی لازمه توسعه و بسط دموکراسی امکان رشد می دهد.

کمپانی جنرال موتورز بمنظور استفاده از نیروی کار ارزان در کشورهای جنوب شرقی آسیا یا افریقای جنوبی سرمایه گذاری می کند و یا آی بی ام کارگران را از کشوری به کشور دیگر صنعتی منتقل می کند (ص ۱۴۶). در واقع نرخ بیکاری را در آمریکا افزایش می دهد. هر چه این قبیل سرمایه گذاری ها فزونی گیرد، از یکسو سود شرکت ها از طریق ارزانی نیروی کار وسیع تر می شود و از سوی دیگر بحران اجتماعی، اقتصادی جامعه صنعتی را افزایش می دهد. بگذریم از این که بخشی از سودهای حاصله در گسترش رفاه اجتماعی و تغییر ذائقه ها، ارزش ها و هنجارهای کشورهای مذکور به کار گرفته می شود. اما خود نیز مشکلات بعدی را به دنبال می آورد. چنین روند دولت را وادار می کند که از طریق کسب مالیات بر درآمد شرکت ها در امور غیر انتفاعی و زیربنایی در زمان بحران سرمایه گذاری کند و رکود را به شکوفائی اقتصادی بکشانند و امکانات محدودتری را برای انتقال و صدور سرمایه قائل شود.

مؤلفان می نویسند... «وظیفه دولت است که اقتصاد را تثبیت کند. یعنی هر گاه که مکانیسم بازار به عنوان تنظیم کننده طبیعی اقتصاد از کار بازمی ماند دولت باید با اتخاذ تدابیر لازم فعالیت های اقتصادی را بر حسب مورد تسریع کند و یا از سرعت آن بکاهد... دولت باید به تزریق سرمایه در بیکار اقتصاد از طریق بودجه نظامی یا برنامه رفاه اجتماعی همچنان ادامه دهد» (ص ۱۸۰ و ۱۷۹). این همکاری دولت با چند ملیتی ها از همان آغاز بحران حاد سال های ۳۳ - ۱۹۲۹ به بعد از طریق سرمایه گذاری در کشورهای دیگر به شکل مستمر انجام می گیرد. به این معنی دولت در زمان بحران و رکود اقتصادی از طریق سرمایه گذاری در مسائل توسعه شهری و عمران روستائی، ایجاد جاده ها، اسکله ها، بندرگاه ها و امور غیر انتفاعی وسیله رونق اقتصادی را فراهم می آورد و مشوق سرمایه گذاری های بخش خصوصی و شرکت ها می شود.

چند ملیتی ها علاوه بر پیوند نزدیک با دستگاه دیوانسالاری، نزدیکی تنگاتنگی با مدیران و نخبگان نظامی داشته اند. وجود چنین روابطی سبب شد که سفارشات نظامی به این شرکت ها داده شود و بخش فعال آن ها به تولید سلاح به پردازند. برخی از این شرکت ها از طریق همین سفارشات نظامی گسترده و جهانی شده اند. مؤلفین سیطره جهانی بزرگ چند نمونه از هم جدا بسنده کرده و از بحث جدی در زمینه این روابط طفره رفته اند.

شرکت های چند ملیتی که مدام از «وحدت جهانی» سخن می گویند در سال های پیش از جنگ جهانی دوم با نازیسم آلمان روابط نزدیک صنعتی و بازرگانی داشته اند و تا ابتدای جنگ این رابطه را حفظ کرده اند. اما در پایان جنگ پیمانکار تدارکات نظامی برای دولت امریکا شدند. (ص ۹۵ و ۹۴). با استناد به ارقام نویسنده گان وزارت دفاع امریکا سالانه

۶ میلیارد دلار صرف هزینه طرح‌های «غیر نظامی» هواپیمائی بوئینگ ۷۰۷ کردند (ص ۱۲۴) آرماند متزلزل توجه بیشتری به صادرات جنگ‌افزار بوسیله چندملیتی‌ها می‌نماید. بنا به نوشته او در سال ۱۹۷۴ تولید صنایع جنگی فرانسه نسبت به پیش از این تاریخ سه برابر افزایش می‌یابد. نویسنده مذکور اضافه می‌کند که از ۸ میلیارد دلار فروش اسلحه آمریکا در سال ۱۹۷۴، ۵ میلیارد آن از سوی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه بود و ایران به تنهایی ۳/۸ میلیارد دلار و عربستان سعودی ۶۰۰ میلیون دلار جنگ‌افزار از آمریکا خریداری کردند. علاوه بر آن آی.تی.تی عینک‌های باقیمانده از پرواز خلبانان آمریکایی در جنگ ویتنام را به نام «خدمت به انسانیت» به افراد شب‌کور عرضه کرد و کوشید تا در ساخت آن ظرفیتی به‌وجود آورد.

در بخش‌های نظامی نیز مانند سایر بخش‌های دولتی نقل و انتقال کادر بالای مدیریت شرکت به مقامات نظامی و یا جابجائی مقامات نظامی به مدیریت دولتی از مناسبات نزدیک آنان برده برمی‌دارد.

چندملیتی‌ها و مسائل فرهنگی

در جستجوی دستیابی به تربیت «فیلسوفان اهل عمل» و یا به قول متفکر ایتالیائی «روشنفکر ارگانیک سرمایه» و به باور «باتامور»^۵ «نخبگان جدید»، چندملیتی‌ها به دانشگاه رومی می‌کنند تا به کشف چهره‌هائی نظیر «پروفسور» «پرل مائر» که مشاور چندملیتی‌هاست به پردازند و با کمک چنین چهره‌هائی به «جهانی کردن رویدادهای فرهنگی» توفیق یابند (ص ۱۸۳). برای نفوذ بیشتر در دانشگاه‌ها، چندملیتی‌ها هزینه کرسی برخی از دانشگاه‌ها را تقبل کرده‌اند. کرسی مدیریت سیستم‌های آماری دانشگاه واردیک به هزینه بانک بارکلی و کرسی زبان و ادبیات آلمانی هدیه کمپانی فولکس واگن و کرسی «رابطه صنعتی به هزینه موقوفات بریتیش لیلاند است. پروفسور پرل مائر در نظر دارد نقشه ایجاد یک «دانشگاه جهانی» برای فرزندان مدیران شرکت‌ها را طراحی کند (ص ۱۸۹ و ۱۸۸).

در کشورهای صنعتی سعی بر این است که تحصیل علم را در خدمت به نظام بگیرند و چون نظام، فن‌سالاری است، کوشش می‌شود دانشگاه و علم به پرورش و تقویت کادر صنعتی به پردازد. دانشجویان اکسفورد و کمبریج، درصد بالائی از گروه‌های حاکم بر جامعه: صاحبان صنعت، بانکداران، بازرگانان و درصد پائینی (حدود کمتر از ده درصد) از طبقات کم‌درآمد که اکثریت جامعه انگلیس را تشکیل می‌دهند، شامل می‌شود. به این معنی که کادر دولتی و طبقات بالایی جامعه از این طریق به قدرت دستیابی پیدا می‌کنند.

و چنین شرایطی می‌رساند که دولت در فراهم آوردن و تدارک نیروی انسانی برای صاحبان صنعت و بازرگانان سخت کوشاست. با در نظر گرفتن کادرهایی که پس از بازنشستگی و بخش خصوصی می‌شوند و یا از مدیریت شرکت‌ها به مقامات دولتی تغییر شغل می‌دهند می‌توان به اهمیت نقش «فیلسوفان اهل عمل» پی برد. ارائه خدمات ذی‌قیمت این نخبگان سبب شده که شرایط امروز را به عنوان «عصر حکومت نخبگان» به‌شمار آوریم. این ادعا از آنجا ناشی می‌شود که آگاهانه و آتمود می‌شود که قدرت چندملیتی‌ها در علم و دانش مدیران آنها نهفته است نه در سرمایه و خط مشی حیل‌گرانه شرکت‌ها (ص ۹۳ و ۸۳ و ۷۷ و ۶۸ و ۵۰).

چندملیتی‌ها نه تنها از دانشگاه به عنوان وسیله تربیت کادر فرهنگی مورد نیاز خویش استفاده می‌کنند، بلکه تلاش می‌شود تا وسایل آموزشی پژوهشی موجود را به خدمت گیرند. چندملیتی‌ها که در سال ۱۹۴۰ در آمریکا ۳۱۴ مؤسسه یا بنیاد بورس تحصیلی و تأمین مالی پژوهشی و طرح‌های تجربی را در رشته‌های گوناگون عرضه می‌کردند، حدود سه دهه بعد این رقم به ۲۵ هزار واحد بورس دهنده بالغ شد، یعنی واحدهای آموزشی و پژوهشی در ارتباط با چندملیتی‌ها به حدود ۸۰ برابر رسید.

آن‌ها ضمن استفاده از وسایل آموزشی و پژوهشی از وسایل ارتباط جمعی نظیر مطبوعات، کتاب، تئاتر، فیلم، ویدئو رادیو، تلویزیون و شگردهای تبلیغاتی استفاده گسترده می‌کنند (ص ۲۷۷ و ۳۱۵ و ۲۳۸). در فاصله سال‌های ۶۵ - ۱۹۷۴ فروش فیلم‌های سریال آمریکائی به خارج از کشور از ۱۵ میلیون به ۱۳۰ میلیون دلار بالغ شد. (مترار ۳۶۰). سریال‌های تلویزیونی نظیر «من لوسی را دوست دارم»، «گارپایل»، «قهرمانان هوگان»، «مری تاپلر دور» و «پری سیسون» در سراسر آمریکا توزیع می‌شود. سریال «بونانزا» در ۶۰ کشور عرضه شد و هفته‌ای ۳۵۰ میلیون بیننده داشت.

در سال‌های ۷۱ - ۱۹۷۰ کمپانی سی بی اس و ان بی سی، متجاوز از ۵۰۰ میلیون دلار «برنامه فرهنگی» در خارج آمریکا عرضه کردند. در سال ۶۸ کمپانی اس بی اس اینترنشنال در ۱۶ کمپانی خارجی سهمیه بوده و در مجموع ۱۶۷ ایستگاه تلویزیونی را اداره می‌کرد (ص ۲۳۸).

چندملیتی‌ها در زمینه تولید نوارهای موسیقی، پر فروش‌ترین رقم را بر عهده داشته‌اند. آن‌ها بزرگترین ناشر کتاب‌های پزشکی، فنی، فیزیک، شیمی، علوم و ریاضی بوده‌اند. امپراطوری انتشارات یونایند پرس و آسوشیتد پرس خبرگزاری‌های بزرگ جهانی نیز جزء ابواب جمعی آمریکائیان به‌شمار می‌آیند. تولید و توزیع وسیع ادبیات پزشکی و فنی آنچنان با ظرافت طراحی شد که به عنوان مثال علوم پزشکی کاملاً در اختیار این شرکت‌ها

جماعات انسانی است که افراد کم درآمد را تشکیل می دهند. چنین تغییری در ذائقه مردم بمعنی تغییر در نحوه زندگی و به ویژه فرهنگ غذایی آن‌هاست.

به عنوان مثال در پاره‌ای کشورهای با وجود کشاورزی مناسب و سبزیجات فراوان مردم شهری را به استفاده از کنده‌عادت داده‌اند. خاتواده‌های کم درآمد که با شیر مادر و گاو فرزندان خود را سیر می کردند. اکنون باید هزینه‌های گزافی را برای تغذیه اطفال خویش به وسیله شیرهای خشک به پردازند و ارزش فراوانی را به کشورهای تولیدکننده شیر خشک صادر کنند. شیر «نستله» و انواع فرآورده‌های مشابه، نشانی از چگونگی وابسته شدن خانواده‌ها به شیر خشک وارداتی چندملیتی‌هاست. تغییر ذائقه که همراه با تغییر بینش و در واقع تغییر فرهنگی در نحوه زندگی روزمره انسان‌هاست، اثرات ناگواری را با خود داشته که بازگشت آن به شکل طبیعی ممکن به نظر نمی رسد.

در مجموع رشد روزافزون تکنولوژی، گسترده‌گی وسایل ارتباط جمعی به ویژه ماهواره‌ها که جهان را به قول «مک سو حال» به شکل دهکده‌ای درآورده است، باعث تحولات جدی در روزگار ما شده است. تولید تپوه فیلم‌ها، سریال‌ها و کارتن‌ها امور فرهنگی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه را زیر و رو کرده است. این روند از یک سو انزوای فرهنگی کشورهای مذکور را دربر داشته و از سوی دیگر زمینه جایگزینی فرهنگ مسلطی که اساس آن بر برتری نظام سوادطلبی آن‌هم در وجه غالب آن (دلالتی) در کشورهای توسعه نیافته و اعمال ارزش‌های متناسب آن فراهم آورده است. فرایند این کار به شکل زیرکانه‌ای عمل می کند، یعنی با قبول رنگ و ظواهر بومی توسعه واقعی درون‌زارا می خشکاند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- 1 - MAGDOF H. AGE OF IMPERIALISM, ED.
MONTHLY REVIEW, ETATS UNIS 1969 P.P.279 - 280.
- ۲ - تاریخ فلسفه سیاسی جلد دوم صفحه ۵۷۶ - ۵۷۷.
- ۳ - ابراهیم فیوضات - روند صنعتی شدن ایران - مجله حسابدار ۵۱ - ۴۷.
- ۴ - هاردرکوتل واین - فاشیسم مفر جامعه سرمایه داری از بحران - ترجمه م. فکری ارشاد - انتشارات توس ۱۳۵۸ و شاپرو ویلیام - نازیسم و ریشه های فکری و تاریخی آن - ترجمه مؤمنی و مربوط - انتشارات پیوند.
- ۵ - بانس مور - نخبگان و جامعه - ترجمه علیرضا طیب - دانشگاه تهران ۱۳۶۹ صفحه ۱۲۲ - ۷۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی